

# کلام معلم

شماره ۱۱ - بهار ۹۹

ویژه نامه هفته معلم

رو تیترو



کلام ندایی از دل انسان  
معلم پاگشایی بر ذهن انسان

آشنایی زدایی از معلمی

رسالت معلمی

مصاحبه بانو معلمان

تربیت معلم بدون روتوش

طرح رتبه بندی معلمان

جلوه های معلمی

معلم در پناه اخلاق

یک معلم خوب چه معلمی است



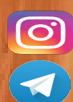
امام علی (ع) می فرماید:

"آموزش به کودک، چون نقش بر سنگ  
نهادن است."

گزیده بیت

از پدر گر قالب تن یافتیم  
از معلم جان روشن یافتیم

استاد شهریار



@kalam-moallem



ویژه نامه هفته معلم

# سخن سردبیر

به نام آنکه تن را نور جان داد  
خرد را سوی دانایی عنان داد  
به نام معلم

شناسنامه

شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۹

مدیر مسئول:

محمد حسین کربلایی

صاحب امتیاز:

انجمن علمی پژوهشگری

سردبیر:

علی عرفانی اصل

دبیر اجرایی:

علی رضا کریمی

مدیر روابط عمومی:

مهدی قلی زاد

طراح جلد و صفحه آرایی:

مهدی قلی زاد

ویراستار:

علی رضا کریمی

اعضای هیئت تحریریه:

دکتر حسن علی گرمابی - دکتر حسین اینانلو -  
میلاذ برفی - علی رضا کریمی - مینا حسن زاده  
- سمانه سیبیلی - زینب باغستانی - آرزو رشیدی -  
معصومه برومند پارسا

سلام و عرض ادب به پیشگاه جریان سازان عرصه علم و اخلاق

معلمین ، اساتید و مربیان گرانقدر که امروزه در شرایط نابسامان (کرونایی) کشور بر خلاف تصور عموم زحمات و فعالیت های آنان در جهت ارتقاء شعور علمی و فرهنگی شاگردان خود بیش از پیش شده است.

معلمین پاسدار علم و فرهنگ ، معلمین پاسدار شعر و ادب و معلمین پاسدار کاغذ و قلم ، معلمانی که وجودشان به غایت قلب در بدن برای جریان سازی فرهنگ و اخلاق در جامعه ضروری و لازم است ؛ ویژه نامه پیش رو به پاسداشت جبران ذره ای از زحمات ایشان که در تبلور جامعه ای آرمانی و اخلاق محور نقش بسزایی دارند ؛ توسط خانواده فرهیخته نشریه کلام معلم تهیه و منتشر شده است.

امید است ؛ که بتوانیم در این عرصه خطیر و ارجمند ، خط مشی شهیدان مطهری و شریعتی را زنده نگه داشته و سربلند و جریان ساز باشیم .



علی عرفانی اصل

سردبیر نشریه کلام معلم



رسالت معلمی



تربیت معلم بدون روتوش



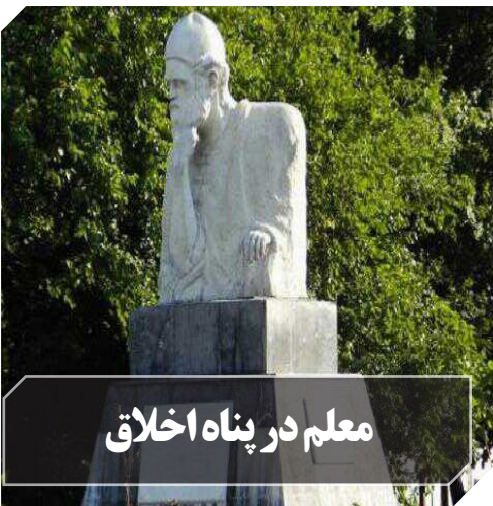
آشنایی زدایی از معلمی

## فهرست عناوین

- ۴.....آشنایی زدایی از معلمی
- ۶.....رسالت معلمی
- ۸.....مصاحبه با نومعلمان ، سید مهدی شریعتی
- ۱۰.....مصاحبه با نو معلمان ، سبحان حسن پور
- ۱۲.....تربیت معلم بدون روتوش
- ۱۴.....طرح رتبه بندی معلمان
- ۱۶.....جلوه های معلمی ، شهید مطهری
- ۱۸.....معلم در پناه اخلاق
- ۱۹.....یک معلم خوب چه معلمی است ؟



جلوه های معلمی



معلم در پناه اخلاق



دکتر حسن علی گرمابی

## آشنایی زدایی از معلمی

خلاقیت، تخیل، تفکر انتقادی، خودکارامدی، تلفیق عواطف با دانش، هوش‌های چندگانه، کار تیمی، بازی، فناوری، تحمل آراء دیگران، خواندن، نوشتن، حساب کردن، طبقه بندی کردن، خلاصه کردن، استنباط، استخراج، ترسیم نقشه مفهومی، کلاس معکوس، ارزشیابی پایا و معتبر، تمیز موفقیت از شکست و ده‌ها مهارت، نگرش و ارزش‌هایی که انتظار می‌رود در کنار صدها صفحه اطلاعات و دانش به آنها پیردازی و با موقعیت‌هایی که خلق می‌نمایید شاگردان را به تکاپو واداری تا آن شایستگی‌ها را با ادراک و انتخاب آنان بیامیزانی و به شدن آنها کمک‌نمایید. اما به راستی چگونه؟ چگونه می‌توان در شدن و بودن یک انسان اثری گذاشت؟ آیا با اکتساب دانش تخصصی و موضوعی در یک رشته می‌توان آن اثر ماندگار را برجای گذاشت؟ آیا می‌توان گفت این امر از عهده هر کسی که قدری سواد بالاتر از سواد مخاطب دارد برمی‌آید؟ آیا معلمی و مربیگری حرفه‌ای است که فقط با فعل عرضه‌ای یعنی ارائه مطالب و مدرسی معنا پیدا می‌کند یا نه رسالت فراتری از آن متصور است؟ اگر کمی بیندیشیم پاسخ پرسش‌های فوق منفی است و با جرأت می‌توان گفت معلمی یک حرفه کاملاً تخصصی است که جز با تربیت حرفه‌ای و معلمی به دست نمی‌آید و ما نیازمند تغییر نگاه به این حرفه هستیم. وین دایر می‌گوید: «اگر شیوه نگاه به امور را تغییر دهید چیزهایی که به آن نگاه می‌کنید تغییر می‌کند». وقتی با اسطوره‌های فکری، پندارهای ثابت و با نگاهی ساده اندیشانه به معلمی نگاه می‌کنیم راه برای نگاه تخصصی به این حرفه دشوارتر می‌گردد. برای مثال بسیار پیش می‌آید که معلمان و استادانی با سابقه با غرور کاذبی بیان می‌کنند که مگر ما بدون آموختن برخی شایستگی‌هایی مانند آموزش پژوهی، روانشناختی، هنری، تربیتی و غیره معلم بدی شدیم؟ مگر ما نتوانستیم؟ زیرا تصویری که از معلمی دارند صرفاً مدرسی و امر تدریس و درس پس دادن است و نه پندار پیچیدگی معلمی به مثابه معلمی علمی، عقلانی و در مرتبه‌ای بالاتر مرشدی. معلمی را نمی‌توان ساده، آسان و از دیگری آموخت بلکه معلمی نیازمند تأمل، اندیشه، سنجش و نقد فعالیت هاست تا بهسازی مداوم در طول خدمت معلمی اتفاق بیفتد و برای این بهسازی



سقف و حدی نمی توان تعیین کرد. این فرایندی کاملا چرخه ای است و توقفی برای آن میسر نیست. به عبارت دیگر نمی توان فضای آرام و حد آرامشی برای آن ترسیم کرد زیرا سیالیت کلاس های درس و یادگیرندگان جزء ماهیت ذاتی آنهاست و مواجهه با پدیده سیال نیازمند پویایی و سیالیت در روش ها و تعامل هاست.

با عنایت به آنچه گفته شد می توان ادعا کرد که معلم بیش از آن که یک اسم باشد یک **فعل** است. فعل عشق ورزیدن، کاویدن، اندیشیدن، پژوهیدن، خلق کردن، احساس نمودن، همدلی کردن، مادری کردن، پدری کردن، پزشکی کردن، باغبانی کردن، تحمل کردن، متفاوت بودن، تغییر کردن و ده ها عمل و فعل دیگر. لذا آنچه باید معلمان و استادان بدنیاال آن باشند افعال معلم است و نه نام و اسم معلم، که متاسفانه در جامعه واژه «معلم» بسیار ارزان مورد استعمال قرار می گیرد و هر فردی

که بدون شایستگی در یک مؤسسه یا نهادی شروع به صحبت برای عده ای می نماید و مطلبی را ارائه می نماید وی را معلم خطاب می نمایند. تا زمانی که این گفتمان و نگرش تغییر نکند ما همچنان شاهد بی مهری به این حرفه کاملا تخصصی خواهیم بود. از این رو ما نیازمند حداقل دو کنش برای تغییر این وضعیت هستیم **الف** کنش حرفه ای و عالمانه از سوی معلمان موجود و آشنایی زدایی از معلمی و داشتن نگاه تخصصی و پیچیده به



آن **ب** تغییر نگاه سیاستگذاران، دولتمردان، گروه های فشار و عموم مردم به معلمی به عنوان یک حرفه کاملا تخصصی.

امید آن داریم که دهه سرآمدی آموزش و روز معلم فرصتی برای اندیشیدن به پیچیدگی های معلمی فراهم سازد و تمام کنشگران تعلیم و تربیت به تغییر نگاه به معلمی مبادرت نمایند. زیرا به گفته برنارد شاو پیشرفت بدون تغییر ممکن نیست و افرادی که نمی توانند ذهن خود را تغییر دهند نمی توانند هیچ چیزی را تغییر دهند. در پایان فرصت را غنیمت شمرده ضمن سپاس صمیمانه از هیئت تحریریه نشریه وزین کلام معلم، روز معلم را به همه استادان، معلمان، همکاران و دانشجو معلمان عزیز تبریک و تهنیت عرض می نمایم خداوند همگان را سلامت بدارد انشا الله.

# رسالت معلمی



**دکتر حسین اینانلو**

تزویرپیشگان و کاسبان سیاسی را کساد می‌نماید؛ کنشگری اجتماعی منجر به مطالبه‌گری سیاسی در نسل در حال آموزش است که در آینده مقدرات کشور را در دست خواهد گرفت. در راستای اهمیت ایجاد نگاه اجتماعی در دانش‌آموز است که شنیدن این سخن از معلم «من آدم سیاسی نیستم» بس بی معنی و عبث می‌باشد. البته باید در نظر داشت که؛ ایجاد دغدغه‌مندی اجتماعی

چالش‌ها و کاستی‌های جامعه، ارجح‌ترین رسالت معلمی محسوب می‌شود. چرا که؛ دانش‌آموز عاری از تعهد اجتماعی، زمینه را برای تخریب محیط زیست، فزون شدن آسیب‌های اجتماعی، غیرپاسخگو شدن صاحبان قدرت، رانت‌جویی صاحبان ثروت و ده‌ها عامل آسیب‌رسان به روند توسعه فراهم خواهد نمود. به عبارت دیگر، آنچه قدرت را پاسخگو، زرداران را مطیع قانون و بازار

در یک نظام آموزشی، معلم به عنوان اصلی‌ترین پایه عملیاتی شدن آموختن و پروراندن دانش‌آموز شناخته می‌شود. در راستای نقش‌آفرینی معطوف به کارآمدی معلم، به صورت گذرا و کوتاه، می‌توان الزامات قرار است گفته شود را برشمرد.

**۱- ایجاد نگاه اجتماعی:** پرهیز از ایزوله‌سازی و بیگانه کردن دانش‌آموز نسبت به دغدغه‌ها،



که محورهای یک (دغدغه‌مندی اجتماعی) و دو (آموختن مهارت) یا کلا فراموش شده و یا در مسیر مسخ‌شدگی قرار داده شده است. از این رو، شاخصه کم‌اهمیت سوم (آموزش دانش) تبدیل به گرانیگاه نظام آموزشی ایران گردیده است. این آسیب بزرگ وقتی تاسف‌بارتر می‌شود که همین محور آموزش نیز حالت تجاری و طبقاتی پیدا کرده و آموزش علم را کالایی نموده است. از این رو، بازخوانی در اهداف و دگرتعریفی در خط و مشی‌ها از ضرورت‌های نظام آموزشی کشور تلقی می‌شود.

دکتر حسین اینانلو

دهم اردیبهشت ۱۳۹۹

کار بردن تکنیک‌هایی است که او را برای حل مسئله‌های جاری و روزمره توانمند سازد. یاددهی این مهارت‌ها دومین رسالت معلم است که در حیطة رشته تحصیلی و درس تخصصی خود باید به دانش آموز یاد بدهد. بنابراین فرد آموزش دیده در مدارس، فارغ از شغل خود باید توانایی انجام مهارت‌های عمومی را داشته باشد. از یافتن جهات جغرافیایی تا انجام محاسبات حجم و مسافت و مساحت؛ از توانایی غلبه بر استرس و ترس تا ایجاد رابطه کلامی با اطرافیان، از توانایی عبور امن از گذرهای شهری تا مدیریت خود و اطرافیان در هنگام وقوع زمین‌لرزه.

### ۳- آموزش دانش: یاد دادن

روابط، قواعد، اصول و مفاهیم علمی، واپسین وظیفه معمولی قلمداد می‌شود. این همان چیزی است که به عنوان علم تعریف شده است. چرا که؛ علم چیزی جز شناختن روابط و قوانین حاکم بر آفرینش نیست. از قواعد مندل تا مندلیف، از اصول صرف تا نحو، از قانون تجمیع قدرت فسادآور است تا آزادی به مثابه توسعه. از قانون کاهش دما با افزایش ارتفاع زمین تا انسان بر طبیعت مسلط نخواهد شد مگر با اطاعت از آن. البته آموزاندن علم، سطوح گوناگونی دارد که از سطوح دون (دانش و درک و فهم) تا سطوح عالی (حل مسئله و قضاوت کردن) رتبه‌گذاری می‌شود. بدیهی است، کلاس درس معلم ناآگاه از یافته‌های روز علمی و متدهای تدریس، یک دورهمی بیش نخواهد بود.

نکته: سمت و سوی نظام آموزشی ما در دهه‌های اخیر به گونه‌ای بوده

با شالوده‌انگاره‌های ایدئولوژیک بس بیمناک بوده و به گواهی تاریخ به ناسیونالیسم، برترطلبی نژادی، بنیادگرایی فرقه‌ای و ... ختم خواهد شد. به عبارت ساده‌تر، نگاه اجتماعی تزریق یک تفکر (تعصب) خاص نیست بلکه تمرین اندیشیدن منجر به کنشگری است.

### ۲- آموختن مهارت: انسان در

زندگی فردی و اجتماعی خود (به ویژه در دنیای امروز) نیازمند به



## مصاحبه با نومعلمان

### سید مهدی شریعتی

دانشجو معلم سابق

علی رضا کریمی

علوم اجتماعی ۹۶



مرحله کشوری هفتمین دوره مناظرات دانشجویان ایران تیم مناظره گروه مبین

مهم بود ولی تجربه زندگی خوابگاهی بسیار مهم بود. در کلاس درس مطالب را یاد می‌گرفتیم. در خوابگاه نیز رفاقت‌هایی بین ما شکل گرفت که هنوز هم به یادگار مونده. یاد شب‌هایی می‌افتم که در نمازخانه پردیس مافیا بازی می‌کردیم. شبظ نشینی‌های دانشگاه برایم به یادگار مونده. از بین بچه‌ها هم با مقداد و سعید و سبحان در ارتباط هستیم.

**کریمی:** چه عالی. سید مهدی دوران معلمی چه طوریه؟

**شریعتی:** دوران معلمی روزهای اول خیلی جذابیت داره، اتفاق‌های جالبی برات می‌افته. با فضای جدیدی آشنا می‌شی. این روند تا چند وقت ادامه داره تا این که در روزمرگی می‌افتی و این برای همه حتمی خواهد بود. البته این موضوع با نزدیک شدن به زمان انتخاب دوباره مدرسه تغییر می‌کنه. آآن موقع زمان انتخاب مدارس است و این موقعیت جدید برایم جذاب است ولی در طول سال تحصیلی روزمرگی برات به وجود میاد چرا که ممکنه یک درس رو در چند کلاس مختلف تکرار کنه و موجب می‌شه که انسان در دور تکرار بیفته و خلاقیت از اون گرفته بشه.

**کریمی:** کاورزی به تو کمک کرد؟ آیا فایده‌ای برای تو در

در آستانه روز معلم، تصمیم گرفتم تا با کسانی گفتگو کنم که به تازگی وارد مدرسه شده‌اند و تا قبل از آن در کسوت دانشجوی معلم به تحصیل می‌پرداختند. از دوستان عزیزم، از ورودی به یاد ماندنی ۹۴، رفقای دوست داشتنی که هنوز دلتنگشان هستم و کاش زمان اجازه می‌داد که مهلت بیشتری در کنارشان باشم تصمیم گرفتم با دو عزیز گفتگو کنم. گفتگوی اول من با سید مهدی شریعتی خواهد بود. برای ورودی ۹۵ تا ۹۷، سید مهدی شریعتی نامی آشنا است. فعال دانشجویی قمی که بسیار خوش فکر بود و مدیری توانمند؛ حالا در این ایام کرونا، به بهانه روز معلم با هم صحبت کردیم. آن چه می‌خوانید، مصاحبه‌ای است بین من و دوست عزیزم، مرد مناظرات حکیم سید مهدی شریعتی.

**کریمی:** سلام سید عزیز به عنوان اولین سوال، نزدیک به یک سال از پایان دوره کارشناسی در دانشگاه فرهنگیان حکیم فردوسی می‌گذره، حالا چه چیزی برای تو به یادگار مونده؟

**شریعتی:** خب دانشگاه به نظرم بخشی داخل کلاس و بخشی داخل خوابگاه است. تجربه زندگی خوابگاهی بسیار مهم است. درس‌های دانشگاه هم

دوران معلمی داشت؟

**شریعتی:** اولین جلسه کاروزی ۱ که سر کلاس رفتم کلاس ۴۴ یا ۴۵ نفر دانش آموز داشت. استرس آن موقع رو هنوز یادمه اما در کاروزی ۴، استرس کمتر شد و خیلی از اشتباهاتم را توانستم در طول دوران کاروزی رفع کنم. وقتی وارد معلمی شدم استرس کمتری داشتم. به نظرم کاروزی می‌تونه برای کسانی که استرس دارند مفید باشه و باعث بشه ترس آن‌ها نسبت به فضای جدید کمتر بشه و به خودشون بیشتر مسلط بشوند.

**کریمی:** در اولین سال تدریس با کرونا مواجه شدی، این مواجهه برات چگونه بود؟

**شریعتی:** خب تدریس وارد بخش مجازی شد. تدریس مجازی تا قبل از این نوعی تابو بود و عملی نمی‌شد و کسی هم استقبال نمی‌کرد. با شرایط پیش آمده اما همه مجبور شدند از این شیوه استفاده کنند. این شیوه باعث شد تا معلمان با دانش آموزان بیشتر ارتباط بگیرند. ارتباط من هم با دانش آموزان بیشتر شد. حتی شده بود یکی از دانش آموزانم ساعت ۲ شب به من پیام دهد و

مشکلات خودش را بگوید. سعی می‌کردم تا جایی که می‌توانم با دانش آموزانم تعامل و ارتباط داشته باشم و به آن‌ها کمک نمایم. بعد از مدتی آن دانش آموز هم مشککش رفع شد و از من تشکر کرد.

**کریمی:** نظرت نسبت به شبکه شاد چیه؟

**شریعتی:** والا من اول فکر می‌کردم تدریس مجازی در این شبکه مانند شبکه pultalk خواهد بود؛ به این صورت که دانش آموزان با معلمان به صورت تصویری ارتباط داشته باشند و بتوانند در کلاس مشارکت کنند یا مانند دانشگاه جامعه المصطفی. فکر می‌کردم این گونه خواهد بود و تدریس خوبی داشته باشیم. اما بعد از رونمایی متوجه شدم که شبکه شاد به نوعی شبیه ایپا و تلگرام است با این تفاوت که دانش آموزان نمی‌توانند با هم چت کنند. آن چیزی که فکر می‌کردیم نبود.

**کریمی:** برگردیم به سوال دوم و جوابی که دادی، گفتی روزمرگی حتمی خواهد بود. راه‌کارت برای این مشکل چیه؟

**شریعتی:** خب اول پیشنهاد می‌دهم که هم راهنمایی و





گفتند این بود که آن‌ها این روش را بسیار دوست داشتند و می‌گفتند تا به حال هیچ معلمی در این سال‌ها این کار را نکرده است. از نکاتی هم که گفتند دست خط بدم و گاهی اوقات هم ممکن است بد اخلاق باشم که من هم پذیرفتم و سعی می‌کنم تا این نکات منفی را هم رفع کنم.

در کلاس هم توصیه می‌کنم از شغل پدر نپرسید و از اصالت آن‌ها سوال کنید. کلاس‌های من دانش‌آموزانی از همه جای ایران دارد و حتی دانش‌آموزی تاجیکستانی داشتم. در درس مطالعات نیز به دانش‌آموزان می‌گویم که هر کس در مورد محل زندگی خودش از بعد فرهنگ و جغرافیا توضیح بدهد. دانش‌آموزان نیز خیلی از این حرکت خوششان آمد و استقبال کردند.

**کریمی:** ممنونم ازت سیدجان، در نهایت روز معلم بر تو و همه معلمان عزیز مبارک.

**شریعتی:** ممنونم و سلامت باشید.

دومین چالشی که برایم رخ داد این بود که باید با افرادی که پدر و مادرشان فوت کردند، مراقب باشم و به گونه‌ای مناسب رفتار کنم. یکی از دانش‌آموزانم پدرش در زمان یک‌سالگی‌اش فوت کرده بود و مادرش نیز ازدواج کرده بود و این دانش‌آموز پیش پدر بزرگ و مادر بزرگش زندگی می‌کرد. من روزی دانش‌آموز را صدا کردم و از او پرسیدم زندگی با این شرایط چه طوری است؟ وقتی این را پرسیدم دانش‌آموز بسیار گریه کرد. این یکی از چالش‌های دیگری است که باید با هر دانش‌آموز به گونه‌ای خاص برخورد کرد.

چالش بعدی نیز این است که عده‌ای از معلمان سیاه لشکر آموزش و پرورش همیشه مسخره‌ات می‌کنند و می‌خواهند انگیزه را از تو بگیرند و باید خودت رو برای این حرف‌ها مدیریت کنی و کارت را انجام بدهی.

**کریمی:** خب به عنوان آخرین سوال چه حرفی به دانشجویان سال آخری و همه دانشجویان داری؟

**شریعتی:** به همه دوستانم حتما توصیه می‌کنم که از لحاظ علمی خودتون رو خیلی قوی کنید و محدود به کتاب‌ها نباشند. اگر از لحاظ علمی قوی باشی کلاس خوبی خواهی داشت و حرفای جدیدی برای گفتن خواهی داشت. من تصمیم گرفتم مانند استاد طاهر نژاد در پایان هر ترم از دانش‌آموزان نظرسنجی کنم. این کار باعث می‌شود هم نکات مثبت و منفی خود را بشناسیم و هم نقدپذیر تر خواهیم شد. از نکات مثبتی که دانش‌آموزان

رفاقت می‌نامم. استاد سادین همیشه می‌گفت فضای رسمی رو بشکنید و با بچه‌ها حالت غیر رسمی داشته باشید. بچه‌ها از حالت رسمی خوششان نمی‌آید و اگر از حالت رسمی خارج شوید کلاس بهتری خواهید داشت. ایشان می‌گفتند استاد باید با بچه‌ها رفیق شود.

روزای اول معلمی اما تصمیم گرفتم جدی باشم. در آبان ماه حس کردم خیلی راحت نیستم. کلاس خوب و آرامی داشتم اما ارتباط خوبی با دانش‌آموزان نداشتم. فقط آموزش در آن فضا بود و پرورشی صورت نمی‌گرفت در صورتی که معلم باید راهنما هم باشد. با روش قاطعیت این ارتباط برقرار نمی‌شد. از نیمه‌های آبان ماه شیوه خودم را تغییر دادم و از حالت رسمی به حالت تغییر دادم. کلاس به حالت رفاقتی تبدیل شد. این فضا کمک کرد به شیوه تدریس و در دبیرستان جواب داد. البته در راهنمایی تاثیر معکوس گرفتم، چرا که دانش‌آموزان به جهت سن پایین خودشان ممکن است از حالت دوستانه خارج شوند. هنوز تصمیم نگرفتم از کدام شیوه استفاده کنم و این دوگانه را هنوز حل نکرده‌ام.

هم دبیرستان تدریس کنید. این اتفاق باعث می‌شه که فضاهای مختلفی رو در طول سال تجربه کنید. مورد بعدی چند سالی تدریس کنید که بتوانید به محتوای کتب درسی مسلط شوید و بعد اگر توانستید برای مدیریت یا معاونت یا کار در اداره اقدام کنید. البته من کلاس را ترجیح می‌دهم. راهکار دیگر هم آن است که درس را ادامه دهید. برای ارشد بخوانید و از دانشگاه جدا نشوید.

**کریمی:** در دانشگاه از چه اساتیدی تاثیر گرفتی یا در ذهن ماندگار شدند؟

**شریعتی:** استاد طاهر نژاد همیشه در پایان هر ترم نظرسنجی برگزار می‌کرد. این کار ایشان در ذهن من ماندگار شد و امسال در پایان ترم در کلاس‌های خودم این کار را انجام می‌دادم. استاد پورآذر و استاد مبشری را هم دوستشان دارم و در ذهن من ماندگار شدند.

**کریمی:** خب سید در طول دوران معلمی در همین مدت کوتاه با چه چالش‌هایی مواجه شدی؟

**شریعتی:** یکی از چالش مهم که رو به رو شدم، چالشی بود که من اسم آن را دوگانه قاطعیت-

## مصاحبه با نو معلمان

### سبحان حسن پور

دانشجو معلم سابق

دومین عزیزی که با او گفت‌گو می‌کنم نیز یک فعال دانشجویی است. بر خلاف تصویر ذهنی فعال دانشجویی پر جنب و جوش اما او آرام است. آرام و خوش اخلاق و دوست داشتنی؛ مدت‌های زیادی را یادم است که به حرف‌ها و اعتراضات دانشجویان گوش می‌کرد. دوران فعالیتش در شورای صنفی و انجمن اسلامی آن‌چه که از همه مهم‌تر بود پیگیری خواسته‌های دانشجویان از طریق قانونی و رعایت اخلاق و مردم‌داری بود. شاید همین ویژگی‌های سبحان حسن پور باشد که تا ابد در ذهن تمامی دوستانش ماندگار شده است. آخرین ناهار پردیس حکیم فردوسی با سبحان و ورودی ۹۴ هیچ وقت از ذهنم بیرون نمی‌رود و تکه‌ای از قلب من در روز خداحافظی با ورودی‌های ۹۴ به جا مانده است و کاش این جدایی هرگز اتفاق نمی‌افتاد.

**کریمی:** سلام سبحان حسن پور عزیز، امیدوارم حالت خوب باشه. اولین سوالی که می‌خواهم بپرسم این است که در ۴ سال دوره کارشناسی برای تو چه چیزی به یادگار مانده است؟

**حسن پور:** سلام، ممنونم. به نظر من در طول این ۴ سال مهم‌ترین تاثیر دانشگاه بر من این بود که به معنای واقعی کلمه بالغ شدم. از نوجوانی عبور کردم و به بلوغ بیشتری رسیدم. کارهای تشکیلاتی و شورای صنفی، انجمن اسلامی باعث شد تا درک واقع‌بینانه‌تری از امور اداری داشته باشم. دوستانی آن‌جا پیدا کردم و به شدت دلم برای آن‌ها تنگ شده است و حالا هر کدام از ما در گوشه‌ای از ایران زندگی می‌کنیم و من هم ته ایران هستم و امکان دیدن آن‌ها فراهم نیست. در دانشگاه به بلوغ فکری رسیدم. در آن‌جا توانستم به خود شناسی بهتری برسم، چرا که فرصت‌های بسیاری پیش‌روی شما قرار می‌گیرد و شما به وسیله آن‌ها می‌توانی خودت را محک بزنی.

**کریمی:** بله. سبحان دوران معلمی تا به حال چه طوری بود؟

**حسن پور:** فک کنم بد نباشه از خاطره ی روز اولم شروع کنم. بر خلاف کرج که آب‌وهوای بهتری داشت در شهر من تا نیمه‌های آبان هوا گرم است. من بدون توجه به این موضوع و با توجه به تجربه ای که در دوران کارورزی داشتم روز اول مهر کت و شلوار پوشیدم که تاثیرگذاری بهتری داشته باشم. اول صبح بود و متوجه گرمی هوا نشدم. وقتی وارد مدرسه شدم در ابتدا با مدیر مدرسه برخورد کردم که یک پیرهن ساده به تن داشت. وارد دفتر دبیران هم که شدم متوجه شدم که بقیه همکاران نیز این‌طور هستند؛ یکی شلوار لی پوشیده و دیگری آستین کوتاه! به همین دلیل اندکی معذب شدم.

طولی نکشید صبحگاه تموم شد و رفتیم به سمت کلاس‌ها. اولین کلاسی هم که داشتم امسال به تازگی در این مدرسه تشکیل شده بود. هر چه می‌گشتم پیدا نمی‌کردم. استرس گرفته بودم. بالاخره بعد از چندبار پرسیدن از معاون و بچه‌ها پیدا کردم. رفتم داخل و با یک اتاق خالی مواجه شدم. نه تابلو، نه میز و نه صندلی! تنها چند نیمکت نو که هنوز روکش پلاستیکی داشتند و خبری هم از دانش‌آموزان نبود. به دفتر معاونت برگشتم و ماجرا را شرح دادم. ظاهراً دانش‌آموزان هم بخاطر وضعیت کلاس و گرمی هوا به کلاس دیگری رفته بودند. نهایتاً دو کلاس ادغام شد و در کلاس دیگری، درس دادم. نزدیک به ۵۰ نفر در کلاس حضور داشتند و با وجود گلابی‌های من به معاون بابت شلوغی کلاس، از من خواست که یکساعتی آن‌ها را نگه دارم.

هوا بسیار گرم بود و پوشش من هم معضلی شده بود برایم. بعد از چند دقیقه تاب من و دانش‌آموزان تمام شد. کتم را در آوردم و نزدیک به ۲۰ نفر از دانش‌آموزان را هم به هواخوری فرستاده بودم. در آخر هم کلاس را ده دقیقه زودتر تعطیل کردم و در حالی که خیس عرق بودم به سمت دفتر دبیران رفتم.

ساعت استراحت بود. مستقیم روبروی باد کولر ایستاده بودم و چایی می‌خوردم که دوتا از دانش‌آموزان همان کلاس، درحالی که همکلاسی بیهوش خود را حمل می‌کردند وارد دفتر شدند. ظاهراً به خاطر نخوردن صبحانه و گرمای هوا از هوش رفته بود. زنگ زدیم آمبولانس؛ بخاطر ضربه ای که موقع زمین خوردن به سرش وارد شده بود انتقالش دادن بیمارستان. خدا رو شکر بعدها حال

دانش‌آموز خوب شد و به مدرسه برگشت. می‌خواهم بگویم روز اول هر اتفاق و بلایی که می‌توانست رخ بدهد برای من پیش اومد (با خنده).

در طول سال هر چه بیشتر با دانش‌آموزان آشنا شدم پی بردم که چه قدر معضل زیاد است و بارها احساس ناتوانی بهم دست داد. دانش‌آموزی داشتم که درگیر مواد مخدر بود. دانش‌آموزی داشتم که اواسط سال ترک تحصیل کرد. فرد دیگری بود که اختلال روانی داشت و بچه‌ها او را مسخره می‌کردند. تلاش‌های من هم برای حل این مشکلات اغلب نتیجه‌ی مطلوب را نداشت. راجع به کتاب درسی هم بگویم. کتاب جامعه‌شناسی خوشبختانه یا متأسفانه امسال به روزرسانی شد و بخاطر همین سایر محتواهای آموزشی مته طرح درس‌ها، نمونه سوالات و... که تا پیش از این وجود داشت، بلا استفاده شد و بنابراین زحمت منم دو چندان شد.

**کریمی:** چه خاطره جالبی، ممنونم. روزی اول با حالا در معلمی چه قدر برای تو فرق کرد؟

**حسن پور:** خب روزهای اول انگیزه بیشتری داشتم. طرح درس می‌نوشتم. نقشه ذهنی آماده می‌کردم. فیلم تهیه می‌کردم اما بعد از دو سه ماه دیدم نتیجه‌ای نداره و به قول ضرب المثلی بوشهری «هُف تو لوله پولیکا» کردن است و نمرات خیلی پایین تر از انتظارم بود. من در دو مدرسه تدریس می‌کردم. یک مدرسه سطح متوسط داشت و دیگری خیلی ضعیف بود. البته روز اول با این دسته بندی‌ها به مدارس نگاه نمی‌کردم و همه جا به یک شیوه تدریس می‌کردم. اما به مرور فهمیدم که باید مطالب را متناسب با سطح دانش‌آموزانم ارایه کنم.

**کریمی:** کارورزی چه کمکی به سبحان حسن پور کرد؟

**حسن پور:** ببین اگر کارورزی رو به عنوان یک واحد آموزشی بررسی کنیم نقدهایی به آن وارد است. هدفگذاری که برای کارورزی تعیین شده، مقداری ایده آل گرایانه ست. نمی‌شود چیزهایی را که سیستم آموزشی گفته عیناً در کلاس‌ها پیاده کنیم. ولی اگر کلاس‌های کارورزی را رفته باشی (باخنده)، حداقل با شرایط واقعی محیط مدرسه آشنايي. می‌دانید که در سیستم آموزشی چه



شناسی و دقت بالا در کار در ذهن من ماند. خانم دکتر حسینی‌فر به خاطر تسلطی که به محتوای آموزشی داشتند. دکتر پورآذر به دلیل ارتباط خوبی که با دانشجویان داشتند و دکتر محمدی به خاطر سخت‌گیری‌شان که اعتقاد دارم بعضی جاها لازم است.

**کریمی:** خب به عنوان آخرین سوال چه حرفی به دانشجویان سال آخری و همه دانشجویان داری؟

**حسن پور:** به نظر من هر کسی تا یک چیزی رو خودش تجربه نکرده و دیدگاه خودش رو پیرامون اون موضوع شکل نداده، خیلی نصیحت‌های دیگران برایش کارساز نیست. خود دوستان قطعاً با تجربه‌هایی که برای خودشون رقم می‌زنن اونچه که به صلاحشون هست رو تشخیص میدن.

**کریمی:** ممنونم ازت سبحان جان خیلی عالی. روز معلم بر تو مبارک و همیشه موفق باشی.

**حسن پور:** ممنونم و سلامت باشید.

دانش آموزان دسترسی ندارند. بنظرم اگه بخش‌های آخر کتاب رو حذف کنند بهتره.

**کریمی:** مهم‌ترین چالش‌های تو در دوران معلمی چی بود؟

**حسن پور:** اولین چالشم صبح از خواب بیدار شدن (با خنده). علاوه بر اون چون سال اول تدریس‌مه، نمی‌دونستم درس رو با چه سرعتی پیش ببرم یا نمی‌تونستم پیش‌بینی کنم چه قدر تعطیلی‌ها رو کلاس‌م تاثیر میداره. امسال یازده کلاس داشتم که بنظرم برای سال اول زیاد بود ولی بخاطر کمبود نیرو تو منطقه مون از طرف اداره تحت فشار بودم. دو تا کلاس خیلی مشکل داشتم و ارتباط گرفتن با آنها سخت بود. یک روز هم هنرستان کلاس داشتم و دیگه خودتون میدونید اوضاع اونجا چجوری هست. بنابراین در مواقع نیاز، سعی کردم خیلی وابسته به کتاب نشون دهم و از مباحثی که در حوزه‌های مختلف جامعه شناسی هست مثل جامعه شناسی عشق، ازدواج و ... استفاده کنم تا توجه دانش آموزان رو به کلاس جلب کنم.

چالش دیگر هم حقوق معلمی است که نمی‌تونم باهاش برنامه ریزی کنم. الان که واردش شدم بیشتر این موضوع رو حس می‌کنم.

**کریمی:** در دانشگاه از چه اساتیدی تاثیر گرفتی و در ذهنت ماندگار شدند؟

**حسن پور:** دکتر گرمابی به خاطر وظیفه

خبر است. جایگاه هر کس کجاست. وقتی وارد حرفه معلمی هم می‌شوید با خیال راحت‌تری عمل می‌کنید. از این نظر یک تجربه خوب است.

**کریمی:** در اولین سال تدریس با کرونا مواجه شدی، از این تجربه بگو؟

**حسن پور:** من دغدغه ارشد داشتم و ابتدا بابت این تعطیلی خوشحال شدم چون فکر می‌کردم وقت آزاد بیشتری دارم. اما به واقع زحمت آموزش مجازی کم‌تر از کلاس و مدرسه نیست. در مجموع ۳۰۰ دانش‌آموز دارم و باید اونا رو در فضای مجازی مدیریت کنم. اگر روزانه نصف شون به من پیام بدن تصور کنید که چه زمانی برای پاسخ نیاز دارم. بعد هم که ابعاد وحشتناک این بیماری شناخته شد و معلوم شد که حالا حالاها هم دست بردار نیست، اون خوشحالی اولیه کاملاً از بین رفت. امیدوارم که هرچه سریعتر برایش درمانی پیدا کنن.

**کریمی:** نظرت نسبت به شبکه شاد چیه؟

**حسن پور:** والا برای من هنوز کار نمی‌کنه، کد ملی رو می‌زنم و قبول نمی‌کنه. با اداره تماس گرفتیم قرار شده مشکل رو حل کنند. من اغلب کتاب هام رو در واتس‌آپ درس دادم و بعضیاشو تموم کردم. اما الان گفتند باید دوباره همه رو تو برنامه‌ی شاد درس بدیم چون اداره می‌خواهد نظارت کنه. فرسوده کنن! مشکل بعدی هم اینه که همه‌ی



## تربیت معلم بدون روتوش



میلاذ برفی

جغرافیا ۹۵

به پیشنهاد دوستان برای این شماره از نشریه کلام معلم تصمیم گرفتیم به مناسبت هفته آموزش تا تجربیات زیسته و نظریات شخصی خودم را در مورد اصل و اساس امر تربیت معلم به شیوه امروزی در ایران و چالش‌ها و ضعف‌های آن که از نزدیک در قالب یک دانشجو معلم آن را هشت ترم حس کرده‌ام بپردازم و پیشنهادهایی برای بهتر شدن آن ارائه بدهم. از مهر ۹۵ که در دانشگاه فرهنگیان پذیرفته شدم تا این روزهای تلخ دوری از دانشگاه تجربیات زیادی در بخش‌های مختلف کسب کرده‌ام و سوال‌های بی‌پاسخ زیادی را در ذهنم داشته‌ام به هر حال ما چه تلخ و چه شیرین به ایستگاه پایانی رسیده‌ایم و وظیفه خودم می‌دانم هر چه که می‌توانم به بهتر شدن شرایط دانشگاه فرهنگیان ولو به همین مطلب منتقدانه کمک کنم امید است که روز به روز شاهد فرج و گشایش در امر تربیت معلم در ایران عزیز باشیم. این متن حتماً قابل نقد و بررسی است و از همه دوستان و همچنین اساتید گرانقدر می‌خواهم که این مطلب را بررسی و سره و ناسره آن را برای بنده مشخص بفرمایند که قطعاً باعث خوشحالی بنده خواهد بود.

### ۱- اداره و مدیریت دانشگاه فرهنگیان زیر نظر آموزش و پرورش:

اولین و اصلی‌ترین ضعف و ایراد به دانشگاه فرهنگیان از نظر من این موضوع است که اداره دانشگاه فرهنگیان با این نقش مهم و با اهمیت به وزارت خانه ای سپرده شده که سالیان سال است در همسان سازی حقوق کارکنان و معلمان خود با کارمندان سایر وزارتخانه‌ها مانده است، وزارتخانه ای که دانش آموز دبیرستانی برای ورود به جامعه و مشاغل مختلف از جمله معلمی آماده می‌کند نمی‌تواند در همان دبیرستان‌ها معلم برای آن دانش آموزان دبیرستانی آماده بکند چرا که اساساً امر آموزش در دانشگاه مطلقاً با مدرسه یکسان نیست اگر از چند پردیس خاص مثل نسیمیه، مشهد و یزد و سنج چشم پوشی کنیم می‌بینیم که امر تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان در مکان‌هایی به اندازه دبیرستان‌های امروزی در حال رخ دادن است مثل همین پردیس‌های استان البرز و گاهی شخصاً با خودم فکر می‌کنم که چطور است که برخی مدیران مدارس با جمعیت دانش آموزان

بیشتری از برخی پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان باید یک یا نهایتاً دو معاون و همکار داشته باشند با حقوقی بسیار پایین ولی وقتی نام همان دبیرستان پردیس دانشگاهی می‌شود چقدر پست و رسته تولید شده و چقدر حقوق مدیریت این مجموعه اضافه می‌شود آیا تفاوت سختی کار این قدر زیاد است؟ از دیگر مصداق‌های مدیریت مدرسه ای دانشگاه فرهنگیان بحث تفکیک جنسیتی است و این هم از نظر من نشأت گرفته از نگاه سازمانی است که این طور از اول دیکته شده است که تمام مقاطع تحصیلی باید تفکیک جنسیتی باشد خب وقتی مدیریت دانشگاه‌ها را هم به این نگاه بسپاری فرمول دیگری جز این برای مدیریت دانشگاه بلد نمی‌باشد. این موارد و خیلی از مسایل دیگر که در این چهار سال در دانشگاه فرهنگیان دیدم مرا به این باور رساند که (هرکسی را بهر کاری ساخته اند) آموزش و پرورش فقط باید نقش مشورتی در امر تربیت معلم داشته باشد و مدیریت و برنامه ریزی آن باید به کاردان و متخصص مدیریت دانشگاه‌ها یعنی وزارت علوم سپرده شود.

### ۲- دانشگاه فرهنگیان دانشگاهی پر هزینه:

پر هزینه بودن دانشگاه فرهنگیان از دو بعد قابل بررسی است اول از این جهت که واقعا چه نیازی است تا این حد شبکه شبکه و استانی دانشگاه فرهنگیان مدیریت شود؟ وقتی که به خاطر روح مدیریت آموزش و پرورش دانشجو یان دختر و پسر را از یکدیگر جدا کردیم طبیعتاً نیاز به یک مکان آموزشی جدید ، رییس جدید، معاونان جدید و همین طور تا آخر کارشناس و کارمند مضاعف می‌باشد. برای مثال در حالی که امر مدیریت و برنامه ریزی آموزشی ۵۰۰ دانشجومعلم در یک پردیس پسرانه را می‌تواند یک معاون آموزشی و گروهش انجام بدهد به طبع اگر ۵۰۰ دانشجوی دختر هم به این تعداد اضافه شود را همان معاون آموزشی و گروهش می‌تواند مدیریت و برنامه ریزی بکند. می‌توان دانشگاه‌ها را تجمیع کرد تا هزینه‌های مالی آن کاهش پیدا کند و دستاورد های مطلوب تری داشته باشد. و جز این بی شک اصراف در بیت المال است.

دومین بعد را در قالب شماره بعد به آن خواهیم پرداخت.

### ۳- تعهد قطعی به استخدام و دریافت حقوق یکسان توسط دانشجویان:

مطالب بالا شاید به مزاج مدیران خوش نیاید ولی این مطالب برای دوستان دانشجو شاید ناخوشایند باشد اما از دوستان عزیز خواهش می‌کنم خویشتندار باشند و از در انصاف به مساله بنگرند و با توجه به منافع ملی نه منافع شخصی به مساله توجه کنند.



چیزی که بنده در خودم و خیلی از دانشجویان در این چهار سال دیدم و برخورد داشتم چنین جملاتی بودند؛

– ما که دیگر استخدام هستیم چرا الکی خودمون خسته کنیم بریم سراغ پول و کار های دیگه به حای درس و فعالیت علمی...

– دانشجوی غیر فعال به دانشجوی فعال: تو که معدلت ۲۰ و همه اش کله ات تو کتاب و از این همایش به اون سمینار علمی میری با من که معدلم ۱۳ است و همه اش تو خوابگاه دارم چرت میزنم مهر ۹۹ با هم فارغ التحصیل می شویم با یک حقوق و یک شرایط خاص آخرش هم با هم میریم به یک مدرسه برای تدریس.

باید قبول کرد وقتی که ما در ابتدای راه همه چیز را برای یک جوان کم سن و سال ۱۸ تا ۲۰ ساله تمام می کنیم به او حقوقی در حد گذران روزمره می دهیم او را از خدمت سربازی معاف می کنیم و چپ و راست در اجتماع می گوئیم معلم کم است و این آرامش خاطر را در او ایجاد می کنیم که بالاخره برای جبران کسری معلم هم که شده تو را فارغ التحصیل می کنند و تعهد قطعی به او می دهیم خب مشخص است میل و رغبت و حس تلاش و کوشش و جنگیدن برای رسیدن را از او می گیریم چون چیزی را برای رسیدن باقی نگذاشته ایم همه چیز را در ابتدای امر به او بخشیده ایم.

من فکر می کنم سیاست پاداش و تنبیه را باید داشته باشیم یعنی دانشجو حس کند که اگر خوب فعالیت هایش را انجام ندهد اگر در دانشگاه از فیلتر های مختلف علمی و فرهنگی و معرفتی و ورزشی و ... نتواند عبور کند نمی تواند معلم بشود قطعاً باعث ایجاد انگیزه و رقابت و تلاش مضاعف در او می شود .

و در مورد بحث حقوق من منکر عدم پرداخت این حقوق برای دانشجو معلمان نیستم بلکه این شیوه پرداخت مقرری برابر به همه را عادلانه نمی دانم.

فکر می کنم وقتی تعهد قطعی به استخدام نداشته باشیم به طبع پرداخت حقوق ماهیانه به همه به یک اندازه که مشخص نیست بتوانند همگی از فیلتر های مختلف عبور کنند هم دیگر عقلانی نباشد می توان بخشی از پولی را که برای حقوق به دانشجو معلمان دولت پرداخت می کند را صرف توسعه حرفه ای شخصی دانشجویان کرد.

یا برای مثال در پایان هر ترم برای پاداش به دانشجویان برتر از آن استفاده کرد و حجم زیادی از این پول را فقط به دانشجویانی که می توانند از فیلتر های تربیت معلم عبور کرده و فارغ التحصیل شوند را به صورت وام های سنگین بلاعوض پرداخت کرد.

#### ۴- توجه بیشتر به نیروهای ماده ۲۸

امروزه نگاهی که در دانشگاه فرهنگیان به دانشجویان ماده ۲۸ هست نگاهی سرد و بی مهرانه است نگاه کلان به دانشجویان ماده ۲۸ طوری است که انگار ما چون در یک گذرگاه تاریخی هستیم و با سیر کثیری از بازنشستگی در آموزش و پرورش دچار هستیم به سمت شما ماده ۲۸ ای ها آمده ایم و الا شما را چه به معلمی کردن!!!!

من اصلاً این نگاه را شخصاً نمی پسندم اول از لحاظ اخلاقی آن ها هم فرزندان این آب و خاک هستند و بعد از عمری زحمت کشیدن و تلاش در رشته های مختلف و دانشگاه های مختلف و بعضاً بسیار معتبر حق دارند که بتوانند شغلی داشته باشند حتی اگر آن شغل معلمی باشد چه بسا ممکن است کسی واقعا عاشق معلمی هم بوده باشد اما به دلایل مختلف در سال ورود به دانشگاه نتوانسته به تربیت معلم وارد شود. از لحاظ علمی هم این دانشجویان وقتی در دانشگاه های معتبر و مورد تایید وزارت علوم تحصیل کرده اند پس مشکلی ندارند و می توان با یک الی دو ترم آموزش مسایل تربیتی در دانشگاه فرهنگیان می توان آن ها را هم در شرایطی برابر با دیگر دانشجو معلمان نه به صورت پیمانی و با شان و مقامی پایین تر از سایر دانشجو معلمان فارغ التحصیل کرد. مسایلی که بیان شد، از زعم بنده تمام مسایلی بنیادی و ساختاری هستند که من در این هشت ترم تحصیل در دانشگاه فرهنگیان به این نتایج رسیدم و اصلاح دانشگاه فرهنگیان و امر تربیت معلم در ایران را ناشی از اصلاح آن ها یافتم اگر چه می دانم من اولین کسی نیستم که مطالب را تقریر کرده است و قبل از من اساتید بزرگی به این کاستی ها و مشکلات اشاره کرده اند ولی متأسفانه حل این مسایل نیاز به حمایت در سطوح ملی دارد .



## طرح رتبه بندی معلمان

### به منظور تعیین صلاحیت های معلمان؟!



وزیر آموزش و پرورش، کسانی

که مشمول این طرح می شوند را

اینچنین اعلام کرد: (( آموزگاران، مربیان

پرورشی، مراقبان سلامت، معاونان و مدیران

واحد های آموزشی)). در واقع ۷۲۰ هزار نفر در سراسر

کشور از امتیازات این طرح برخوردار می شوند و به

وسیله اجرای این طرح افراد این انگیزه را می یابند که دانش

تحصیلی خود را افزایش داده و به رتبه بالاتر ارتقا یابند.

پس از برگزاری آزمون جهت ارتقا و اعطای رتبه به معلمان در طرح (رتبه

بندی معلمان) که در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۸ در سامانه LTMS زیر نظر وزارت

آموزش و پرورش اجرا گردید، تعداد قابل توجهی از معلمان انتقادات فراوانی را نسبت به

اجرای این آزمون ابراز داشته اند.



## انتقادات معلمان را می‌توان در موضوعات زیر طبقه بندی کرد:

۱. سطح دشوار آزمون

۲. زمان ناکافی برای انجام آزمون

۳. عدم آمادگی و فرصت و زمان لازم برای مطالعه منابع آزمون

۴. سرعت پایین اینترنت در بسیاری از مناطق و نواحی

۵. **حدنصاب قبولی که برای قبولی در آزمون تعریف شده است**، استاندارد نبوده و کسب آن بسیار دشوار است. به عنوان مثال: معلمان هم نظر هستند که کسب ۸۰ درصد نمره قبولی برای دریافت رتبه ۵ (عالی) منصفانه نیست.

۶. **مشکلات فنی سامانه ضمن خدمت** که موضوع جدیدی نبوده و نیست و مسئولان هم تدبیری برای حل آن نیاندیشیدند.

۷. و...

### اهداف اصلی در سایه اهداف سیاسی؟ یا بالعکس؟

یکی از اصلی ترین انتقادهایی که به طرح رتبه بندی مربوط می شود این است که، مسئولان طرح مورد بحث را به دلیل نزدیکی به انتخابات نمایندگان استان ها به سرعت تصویب کرده و همین مسئله باعث شده طرح از هدف اولیه و اساسی خود که همان ایجاد انگیزه در معلمان برای بالابردن کیفیت آموزش بوده، دور بماند.

نیک نژاد (کارشناس آموزش و پرورش) در این باره می گوید: ظاهراً شیوه نامه را تغییر داده اند. البته انتقادات وارد شده این است که برخی ملاک ها را برای ارزیابی معلمان حذف کرده اند. به طور مثال: افزایش حقوق مناطق محروم را حذف کرده یا فقط سنوات آموزشی را در نظر گرفته اند، اگر چهارسال تحصیل در دانشگاه جزء سنوات یک معلم محسوب شود این چهارسال را برای رتبه بندی در نظر نمی گیرند.

انتقاد دیگر، توقف سه ساله در افزایش رتبه است، یعنی یک معلم اگر در رتبه چهار قرار گیرد و بنا باشد تا شش ماه آتی ارتقای رتبه دریافت کند، این ارتقا رتبه به سه سال بعد موکول خواهد شد.

## زینب باغستانی آرزو رشیدی

علوم تربیتی ۹۶



# جلوه های علمی شهید مطهری



سمانه سبیلی علوم تربیتی ۹۸

رهبر معظم انقلاب اسلامی در وصف شهید مطهری میفرماید: (شهید مطهری از کسانی بود که کار کردن و درس گفتنش، فقط به خاطر یک وظیفه مقدّس بود؛ آن هم بی آن که کسی وادارش کند یا از وی بخواهد؛ البته بیشتر محققین دنیا این گونه اند.)

استاد مطهری تدریس را از سر عشق انجام میداد و آن را نوعی عبادت و وظیفه دینی میدانست و نهایت تلاش خود را برای انجام این وظیفه خدایی میکرد. ایشان بهترین نمونه از رابطه ی دوستانه معلم و شاگردی است. استادی که هرگز به شاگردش نظر تحقیرآمیز نداشت، یعنی به طور کامل صحبت های شاگردانش را میشنید و به سوالات آنها پاسخ علمی و منطقی میداد و از این طریق باعث رفع ابهام تمامی سوالات آنها میشد. به شاگردانش اجازه مشارکت در بحث های گروهی را میداد و آنها را کوچک نمیشمرد.

شهید مطهری همیشه سعی میکرد درس را ساده و بی تکلف و به بهترین صورت توضیح دهد که اکثر اوقات جنبه ابتکاری داشت. استاد همیشه تلاش میکرد که ذهن شاگردانش را نقاد بار بیاورد، یعنی وقتی برای مطلبی استدلال میکرد، استدلال را در کوچه بن بست رها نمیکرد و آنرا تا مباحث فلسفی و دینی تعقیب میکرد. ایشان در کلاس های درس خودش همیشه با وضو حضور پیدا میکرد

روزها میگذرد و در این حین شاهد انسان هایی هستیم که مانند چشمه های نور، تاریکی ها را از بین میبرند و جان و دل دیگران را به نور فهم و دانش جلا میدهند.

چه باشکوه است وقتی سالروز عروج یک شهید را روز معلم بنامیم و از آن طریق آرمان بلندمان را فریاد بزنیم که قلم های ما حکم سلاح مراقبت از ما را در روز های خطر دارند که امضای سرخ هزاران شهید را به ضمانت گرفته اند.

علامه شهید مطهری از جمله چشمه های نور و معرفت است. ایشان تجلی تلفیق علم و تقواست که با تلاش های بی وقفه خود در عرصه علم ثابت کرد که اگر انسان خالصانه در راه علم قدم بردارد تلاش های او برای همیشه در تاریخ ثبت میشود و نام او پر افتخار تا ابد در عرصه علم میدرخشد.





## عاشق شدن و ماندن در حس جوانی با تیر قلم بر دلمان دوخت معلم

\*\*\*\*\*

## از نقش زدن با قلمی بر دل دیوار نورس ز حقیقت به دل افروخت معلم

داغ کنید و تنوری که در آن  
هیزم و چوب جمع است و  
شما فقط آتش گیره از خارج  
می آورید و آن قدر زیر این  
چوب ها و هیزم ها قرار  
می دهید که اینها کم کم  
مشتعل شود.

### منابع:

- موگهی، عبدالرحیم (۱۳۸۸)

جلوه های معلمی استاد

مطهری (ره)

- مجله پرسمان شماره

۱۱۲ (۱۳۹۱)، باز کاوی

شخصیت استاد مطهری

در بیانات مقام معظم

رهبری

و هیچ وقت نسبت به خودش خود بزرگ بینی نداشت. اگر  
استعدادی از شاگردانش میدید، خوشحال میشد و به او کمک  
میکرد تا استعدادش را شکوفا کند.

شهید مطهری، افزون بر معلمی بر روح و جان انسان تاثیر  
میگذاشت و ایمان را در وجودشان تقویت میکرد و به زندگی  
انسان جهت میداد. ایشان از معدود عالمانی است که علم و  
حکمت و عرفان را به هم آمیخته بود و از آن طریق بر قلب  
شاگردانش تاثیر میگذاشت.

از نظر شهید مرتضی مطهری معلمی واژه ایست مقدس  
که پیامبران ما برای عمل به ماموریت خود ابلاغ  
وحی به مردم، این منصب را دارا بودند؛ پس معلمی  
نه تنها شغل نیست بلکه عرصه و میدان و جولانگاه تاثیر  
گذاشتن و یاد دادن است. یاد دادن آنچه را که برای پیشرفت  
و بزرگ شدن یک شاگرد و دانش آموز لازم است. معلم باید  
نیروی فکری متعلم را پرورش دهد و او را به سوی استقلال  
رهنمون کند. باید قوه ابتکار او را زنده کند؛ یعنی در واقع،  
کار معلم آتش گیره دادن است. فرق است میان تنوری که  
شما بخواهید آتش از بیرون بیاورید و در آن بریزید تا آن را

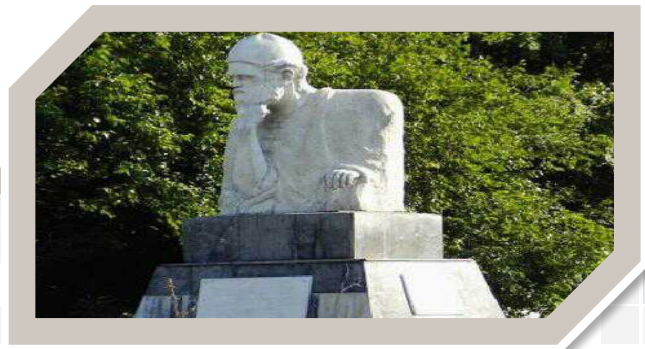


## «معلم در پناه اخلاق»



معصومه برومندپارسا

آموزش ابتدایی ۹۸



و اخلاق، ترسیمی از فهم عمیق است. نهایت و اوج فهمیدن اخلاق، به کار بردن **عقل** است.

یک تصور رایج اما نادرست؛ در میان عموم مردم وجود دارد که بحث اخلاقی، مجموعه‌ای از توصیه‌های قشنگ و نصیحت‌های خسته‌کننده‌ی غیر کاربردی است که ربطی به زندگی واقعی و روزمره ندارد و با آوردن واژه معلم اخلاق، مخاطب به سرعت یک معلم مهربان اما پرچانه‌ای را تصور می‌کند که مدام اعمال او را نهی می‌کند و خودش به حرف‌هایی که میزند عمل نمی‌کند.

در کتاب‌های اخلاقی مان به وفور دیده‌ایم که نصایح و اندرزها و بایدها و نبایدها را بیان کرده‌اند و به ندرت شاهدیم که بحثی مستقل از مبان‌ی یا تمایز اخلاق با سایر نظام‌های هنجارگذار جامعه مثل فرهنگ و دین و رسوم اشاره شده باشد.

کوتاه سخن آنکه بحث اخلاقی به معنای دقیق لفظ، نه آن‌طور که رواج یافته، بحث استدلالی از قاعده‌های عملی در زندگی روزمره است. اینکه چرا و به کدام دلیل باید راست بگوییم یا دزدی نکنیم یا ناسزا نگوییم، به عهده اخلاق است که سعی می‌کند توجیه عقلانی آنها را ارائه دهند.

**نظامی عروضی** در مقالات خود به چهار حرفه مهم در جهان پرداخته است، که یکی از آنها شغل دبیری است. وی در مقاله اول، دبیر را این‌گونه ترسیم کرده است؛ که دبیر باید، کریم الاصل، شریف‌العرض، دقیق‌النظر، عمیق‌الفکر، ثاقب‌الرأی باشد و از ادب و ثمرات آن، قسم اکبر و خط او فر، نصیب وی شده باشد و از قیاسات منطقی بعید و بیگانه نباشد و مراتب ابنای زمانه شناسد و مقادیر اهل روزگار داند و بحطام دنیاوی، مزخرفات آن مشغول نباشد. از این خصوصیتی که برای دبیر برشمرده است، پررنگ‌ترین و اصلی‌ترین آن، **اخلاق** است. اخلاق، که حلقه مفقوده‌ی جامعه‌ای است که در توهم ذهنی یا به قولی استعمار عقلی دیگران است.

معنای اخلاق در جامعه، از آن روزی ضربه خورد که ما فهمیدن را در علمی شدن و به روز شدن دانستیم؛ اما علمی شدن، فهمیدن نیست.

# یک معلم خوب چه معلمی است



مینا حسن زاده علوم تربیتی ۹۸

معلم تربیت و پرورش میدهد

انسان ها را خدا خلق میکند

اما این معلم است که میتواند این تغییر را به سمت مثبت و یا منفی سوق دهد...

و انسان ها دنیا را تغییر میدهند

"معلم" را هم همینطور...

هر شخص در هر سنی "خوب" را به گونه ای متفاوت معنا میکند

و من به دنبال معنای "معلم خوب" میگردم...

پوشیده نیست، سطح پایین فرهنگی و اخلاقی بعضی از دانش آموزان کار معلمی را بسیار مشکل می نماید، بخصوص وقتی که دانش آموز سخت ناسپاس و قدر شناس نباشد، ولی این موضوع نباید در کار معلمی خللی وارد نماید، هر چند بعضی از متریبان سخت اصلاح پذیر هستند ولی یک معلم خوب می بایست با اقتدا به انبیای الهی سعه صدر و بردباری، و قدرت تفهیم و اثر گذاری را از خدای متعال مسئلت نماید و کار خود را به نحو احسن انجام دهد.

ممکن است یک دانش آموز که به اندازه ی کافی به درس و مدرسه علاقه مند نیست معلم خوب را معلمی بداند که کمتر امتحان بگیرد ، کمتر تکلیف بخواهد و گاهی هم در خانه ماندن و استراحت کردن را به سرکلاس آمدن ترجیح دهد...

شاید از نگاه یک مادر اگر فرزندش شبانه روز مشغول تکلیف نوشتن و درس خواندن باشد پس معلم خوبی دارد و اگر اینطور نباشد احتمالاً معلمش چیزی برای یاد دادن به او ندارد...

و از نگاه یک دانش آموز دوستدار درس ، معلم خوب میتواند معلمی باشد که طوری تدریس کند که بیشتر از آن چیزی بفهمد که خودش با روحانی از کتاب میتوانست متوجه شود...

و اما معلم خوب از دیدگاه اسلام و قرآن باید صفات زیر را دارا باشد:

**- حریص و دلسوز نسبت به دانش آموزان :** یکی از خصوصیات و شاخص های اخلاقی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و اله) دلسوزی و حریص بودن نسبت به هدایت و آموزش پیروان خود بوده است. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» [توبه/۱۲۸] به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رؤف و مهربان است!

**- تهذیب نفس و تقوای الهی :** اولین و مهمترین ویژگی معلم خوب تهذیب نفس و تقوای الهی است، تقوا همچون مهارت قوی انسان را نسبت به دیگران مسئول و وظیفه شناس می نماید، هر گاه معلمی از شاخص ارزشمند تقوای الهی برخوردار نباشد، چه بسا مطالب غیر مناسبی را به دانش آموزان تعلیم دهد که نه تنها موجب رستگاری و نجات ایشان نباشد، بلکه موجبات گمراهی ایشان را نیز فراهم نماید. کم نیستند دانشجویانی که در اثر افکار مسموم و غیر دینی معلمان از جاده کمال باز مانده اند.

**- ناصح و امین بودن :** یک معلم ممتاز نمی تواند نسبت به کاستی ها و نواقص روحی و اخلاقی شاگردان خود بی تفاوت باشد، در نگاه یک معلم نمونه دانش آموزان به مثابه امانت های الهی هستند که او وظیفه تربیت و آموزش ایشان را بر عهده دارد. یک معلم ریاضی تنها یک معلم ریاضی نیست، یک معلم فیزیک تنها یک معلم فیزیک نیست، او تنها وظیفه یاد دهی علوم طبیعی و منقول را بر عهده ندارد، بلکه با رفتار و اخلاق و منش اخلاقی خود می تواند به گونه ای عمل نماید که دانش آموزان خطا کار را تحت تأثیر اخلاق و رفتار خود قرار دهد.

**- سعه صدر و بردباری :** سختی های کار معلمی بر کسی



- **پر تلاش و خستگی ناپذیر** : یک معلم خوب و شایسته وظیفه معلمی و آموزش و تربیت دانش آموزان را به نحو احسن انجام می دهد و در این زمینه از هر گونه کوتاهی و کم کاری خود داری می نماید او خستگی ناپذیر و پر تلاش است، از اینرو برای دست یابی به اهداف آموزشی و تربیتی خود هیچ گونه سستی و تنبلی را به خود راه نمی دهد.

معلم گاهی میتواند حکم یک پدر یا مادر را برای دانش آموز داشته باشد و مطمئنا دیده اید که دانش آموزان پایه ی ابتدایی به گفته ی معلم نسبت به گفته ی والدین خود ارجحیت میدهند و تاثیر گذاری معلم بر دانش آموز اکثر اوقات بسیار بیشتر از

والدین می باشد ؛ معلم در همان پایه های ابتدایی میتواند شکل دهنده ی رفتار ، تفکر و گاه تغییر دهنده ی عادات دانش آموز باشد و از این رو یک معلم خوب باید به تمام حرکات ، گفتار و رفتار خود حتی ریز ترین آنها دقت کند.

یک معلم خوب نباید نقطه نظری ثابت و تعصبات تغییر ناپذیر داشته باشد و لازم است خود را با نسل جدید هماهنگ کند و دانش آموزان را هم با توجه به تغییرات جهان جدید آموزش و پرورش دهد ؛ حدیثی از **امام علی (ع)** داریم که میفرماید : (( **فرزندان خود را به عادت ها و آداب خود مجبور نکنید ؛ زیرا آنها برای زمانی غیر از زمان شما خلق شده اند** )) ؛ امروزه این حدیث باید مورد توجه معلمان نیز باشد زیرا نسل جدید بیشتر زمان خود را نزد معلمان و مربیان میگذرانند.

در کتابی که اخیرا خواندم نوشته بود " بچه ها که کتاب نقاشی نیستند که هر طور دوست داشتی آنها را رنگ کنی " ، درست است ؛ ما نمیتوانیم آینده ی کودکان هرطوری که خودمان میخواهیم شکل دهیم ، مثلا به میل خودمان یکی را خلبان کنیم و دیگری را مهندس ، وظیفه ی ما فقط تربیت و پرورش کودکان به صحیح ترین روش موجود است ، نباید آینده شان را با هر رنگی که دوست داریم رنگ کنیم بلکه باید به آنها توان ساختن و رنگ آمیزی آینده خودشان را بدهیم ؛ یک معلم خوب باید این را بداند .



سازمان یونسکو، در سال ۱۹۹۶ میلادی کتابی با عنوان خصوصیات یک معلم خوب منتشر کرد که در آن، بیش از ۵۰۰

دانش آموز از ۵۰ کشور جهان، درباره ی ویژگی های یک معلم خوب اظهار نظر کرده بودند.

بخش هایی از آن را می خوانیم :

❁ سیانه هلی از کشور اندونزی:

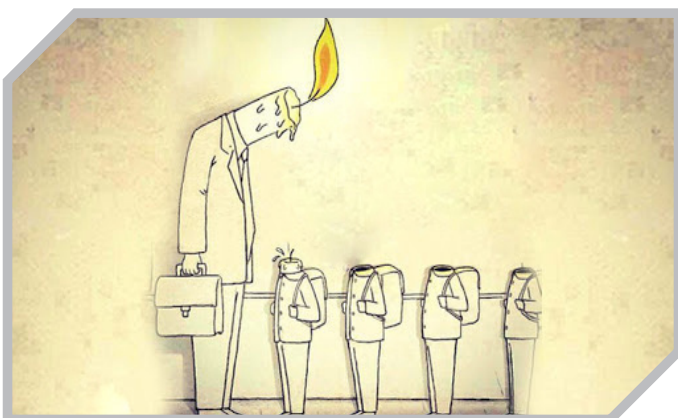
یک معلم باید سه مشخصه اصلی داشته باشد:

(۱) زمینه ی علمی ، (۲) مهارت های حرفه ای ، (۳) خصوصیت های شغلی

یک ضرب المثل می گوید: **اگر به من ماهی بدهی، یک روز مرا سیر کرده ای؛ ولی اگر به من ماهیگیری یاد بدهی، یک عمر مرا سیر کرده ای.** این، باید فلسفه یک معلم باشد. معلم باید صبور ، مهربان، انعطاف پذیر، کاردان، شکیبیا، دید باز با اخلاق خوش و مشتاق باشد و از تدریس لذت ببرد. نیز باید امانت دار، صادق، با قوه ی تصور قوی، خلاق و کار آمد، منظم، مفید، فروتن و باحیا باشد.

❁ ماریا گارسیا از کشور آمریکا:

- یک معلم خوب با دو کلمه تعریف می شود: بهترین دوست. چه کسی قابل اعتمادتر از «بهترین دوست» می توان به خاطر





آورد؟ اجازه بدهید که همه‌ی این‌ها، معلمان باشند، این‌طور نیست؟

✽ ویوکاناداتوی قاتاک از کشور هندوستان:

یک معلم خوب کسی است که برای آماده کردن شاگردانش ابتکار عمل نشان می‌دهد تا به سرمایه‌های باارزش کشورش تبدیل شوند، یک معلم، شخصی است با قلبی بزرگ...

✽ زایرالکساندرا از کشور مکزیک:

معلم برای دانش آموزان، مثل باران برای زمین است.

✽ عمر از کشور مراکش:

یک معلم خوب به همه‌ی نیازهای شاگرد پاسخ می‌دهد، نه فقط نیازهایی که در برنامه انتخاب شده است.

✽ آبانا از کشور فیلیپین:

برای این‌که یک معلم ابتدائی خوب باشد لازم است که: احساسی مثل یک بچه داشته باشد، مثل یک بچه فکر کند، مثل یک بچه رفتار کند، در فکر کردن و واکنش نشان دادن بزرگسال باشد، اما به خاطر داشته باشد که او نیز یک زمان بچه بوده و زمان آن است که آن دوران بچگی را احیا کند.

در آخر می‌خواهم بگویم که گذشته از اینها و در زبان ساده شاید خوب‌ترین معلم، معلمی است که آموختن را صرفاً در فیزیک، زیست و منطق خلاصه نکند.

معلمی که بیاموزد تمام امتحان‌های ما در امتحان‌های میان ترم و نهایی ختم نمیشوند، بلکه اصلی‌ترین امتحان‌ها در رویارویی با زندگی و احتمالاً زمانبست که دیگر مدرسه نمی‌رویم و مارا برای قبولی در آنها آماده کند.

باید بداند که دانش آموزی که هوش ریاضی ندارد مطمئناً احمق نیست و شاید بتواند شعر‌های خوبی بگوید، یا نقاش خوبی باشد و به قول انیشتین اگر یک ماهی را از روی توانایی‌اش در بالا رفتن از درخت قضاوت کنی، آن ماهی



تمام عمرش را با این باور زندگی خواهد کرد که یک احمق است...

چیز زیادی از تاریخ، نظریه‌های متعدد فلاسفه و فرمول‌های ریاضی در یادمانده؛

اما خوب به یاد دارم حرف معلم را که میگفت: هیچگاه خود را با دیگران مقایسه نکنید چون شرایط، امکانات و استعداد‌های شما متفاوت است و این رقابتی نا عادلانه خواهد بود و شما را سر خورده میکند، اما هر روز با دیروز خود رقابت کنید و این تنها رقابتیست که به رشد شما منجر میشود...

یک معلم خوب باید علاوه بر سر فصل‌های کتاب‌های درسی، سرفصل‌های زندگی را هم به خوبی بیاموزد و من امید دارم که بتوانیم به معلم‌هایمان توان کافی برای تغییر جهان به سوی جهانی مطلوب‌تر را بدهیم و شاهد شهید مطهری‌های فراوانی در آینده باشیم...

منابع

۱. بیرانوند، علی (۱۳۹۵). شاخصه‌های قرآنی معلم خوب و ممتاز.

۲. مهر و ماه (۱۳۹۷). خصوصیات یک معلم خوب در نظر سنجی یونسکو.





امام علی (ع) می‌فرماید:  
"آموزش به کودک، چون نقش بر  
سنگ نهادن است."



آدرس: کرج - جاده ملارد - بعد از کانال آب فردیس -  
پردیس حکیم فردوسی البرز  
شماره مجوز: ۵۰۵۰۱/۹۱۵/۳۰۰  
پل ارتباطی: @kalam-moallem  
ایمیل: kalammoallem.phf@gmail.com